

دیوان

او

www.ketab.ir

محمد رضا فہیم گیلانی

- سرشناسه : فهمیم گیلانی، محمدرضا، ۱۳۶۲ -
- عنوان و نام پدیدآور : دیوان او/نویسنده محمدرضا فهمیم گیلانی.
- مشخصات نشر : رشت: کدیور، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۳۶۷ص:؛ ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۹۶-۳۷-۰
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
- موضوع : Persian poetry -- 20th century
- رده بندی کنگره : PIR۸۳۵۶
- رده بندی دیویی : ۶۲۸ / ۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۶۰۲۵۸
- اطلاعات رکورد کتابشناسی ملی : فیپا
-
- تایپ: سوگند موحدی، عرفانه دورنگه
- صفحه آرایي: ریحانه فهمیم گیلانی، سوزان پورهادی برنا، نگین فلاح
- خوشنویس و طراح جلد: کاوه افرایی
- تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- چاپ: اول _ تابستان ۱۴۰۰
- قیمت کتاب: ۲۰۰/۰۰۰ تومان
- تلفن مرکز پخش و روابط عمومی: ۰۹۳۷۲۲۹۵۷۱۷
- کلیه ی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مؤلف می باشد.
- مؤسسه فرهنگی هنری کرشمه، مدیرعامل ۰۹۱۱۲۸۲۳۳۰۳

- ۱۹ به نام تو خدای ما
- ۱۹ نشو از من، بشو از دیگر کسان
- ۲۰ ای تو که روزی بخوانی این کتاب
- ۲۱ کیستی تو؟ چیستی تو؟ نیستی!
- ۲۶ ایشم، گر آب آید سوی من
- ۲۸ ذکر حق داروی هر درد گران
- ۲۸ مهربانی حاصل عرفان و بس
- ۲۹ جام می در دست دارم، ناب و پاک
- ۳۰ من کی‌ام، خاکی به آب آمیخته
- ۳۲ هر که را دیدم گرفتار خود او
- ۳۲ گفتن "باید"، بلای جان شده
- ۳۳ من که میدانم زبانم بر خطاست
- ۳۳ پردپوتی تا به کی، زیبا نگار
- ۳۷ مرد آن باشد که راسخ در ره است
- ۳۷ جام دل از باده‌ی معشوق پر
- ۳۸ حق یکی بود و جز او دیگر نبود
- ۴۱ خواب عاشق عین بیداری اوست
- ۴۲ هر کسی خود خود کند جانم فسرده
- ۴۲ نور را بر جان بتابان تا که آن

- ۴۳ می بخور واده ظواهر ای عزیز
- ۴۵ یک شبی برخیز از خواب گران
- ۴۶ مار بر سینه رود بی دست و پا
- ۴۶ لاشخور از لاشه‌ی گندیده خورد
- ۴۶ لاشه‌ی انسان کثیف و بدترین
- ۴۷ مرده سوران دیده‌ام من بارها
- ۴۷ روح من گندیده از شهوات من
- ۴۸ در بدی پیشی گرفتم از بدان
- ۴۸ از چه اندیشی؟ پریشی روز و شب
- ۴۹ می‌زنم آتش همه هستی خود
- ۵۰ چشمم از اشک فراق و شوق عشق
- ۵۱ زنده‌ام از جوششی که در دل است
- ۵۱ چراغی از خرد در دل بی فروخت
- ۵۱ نور خورشید در خنان از سما
- ۵۲ فارغ از درد و بلا و غصه‌ام
- ۵۳ مهر شد پایان سیر عارفان
- ۵۴ این زبان بس سرکش است و بس تیر
- ۵۵ ذکر حق یعنی محبت با بشر
- ۵۶ ای همه بیشنیان مست حق

- ۵۷ رمز خواهی بشنوی بی واسطه
- ۵۸ بستر تو گور تو بیش از اجل
- ۵۸ در سحر باده بخور بشو پسر
- ۵۸ خوشتر از حرف و حدیث عشق نیست
- ۵۹ سال ها من در مسیر نفسی دون
- ۶۰ بیج و خم های قلم بر دست حق
- ۶۰ کوردل گوید که زن ها جنس بست
- ۶۱ ای دل بیمار و دشمن با زنان
- ۶۱ دختران دیدم که آینه به پیش
- ۶۲ ای همه مرد و زن نیک عمل
- ۶۲ کی تو در حدّ خدایی، مادرا؟
- ۶۳ ترس تو از مرگ بی حدّ و حساب
- ۶۴ من جمع همه اُضدادم
- ۶۵ شب شد و روز شَهان آغاز شد
- ۶۶ دخترم کم کن همه جلوه گری
- ۷۹ در جوار تیره قلبان خسته ام
- ۷۹ هر که بر دارد چه پاک از راها
- ۸۱ کار و ده چند روزی بشنو حرف
- ۸۲ من خبر دارم ز سِرّ عشق یار

- ۸۴ لشکرِ غم گشته مغلوب و ذلیل
- ۸۶ آبِ حق، بی تابِ من، ای خوشگوار
- ۸۷ نی نواری، من نی‌ام، خوش می‌نواز
- ۸۸ آشپزِ حق، آشپزخانه جهان
- ۹۰ عاشقک اندیشه کرده جذبِ اوست
- ۹۰ حق طیب و ما مریضان جهان
- ۹۲ حق مهندس، او همی سازد بنا
- ۹۴ حق، که نقاشِ بزرگ این جهان
- ۹۸ ای چه خوش صیدی که عبادش حق است
- ۱۰۰ گر طبیبی به که بیمارِ شوم
- ۱۰۲ چونکه عاشق نیستی عشقت چه بود
- ۱۰۴ آنچه را گر می‌پستدی تو به خود
- ۱۰۵ درد آمد تا که درمانت کند
- ۱۰۷ روز نو شد روزی از نو عمر نو
- ۱۰۸ خانه خالی شد ز آغیار و نمود
- ۱۰۸ عمرِ هر کس بهر کاری شد تمام
- ۱۰۹ باره کن غربیل را، ناکن جدا
- ۱۱۰ ما همه خلقِ خدایِ واحدیم
- ۱۱۱ از کجا گویم برایت جان و دل